

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گزارش روزنامه نیشن – به قلم رابرت دریفیوز

مترجم : پیکار پامیر – تورنتو

۲۴.۰۳.۰۹

جنگ زرداری و نواز شریف در پاکستان

یادداشت مترجم: روزنامه (نیشن) تبصره ای دارد پیرامون اوضاع پاکستان و کشمکش میان آصف زرداری رئیس جمهور آن کشور و نواز شریف رهبر یک شاخه حزب مسلم لیک که آنرا در شماره مورخ هفدهم ماه مارچ سال روان خویش به نشر سپرده است. اینک، ترجمه فارسی دری تبصره مذکور به توجه خوانندگان عزیز رسا نیده میشود:

آقای "رابرت وود"، سخنگوی وزارت امور خارجه ایالات متحده به روز سه شنبه، آنگاه که از ایشان پیرامون نزاع میان زرداری و نواز شریف در پاکستان پرسیده شد، اظهار داشت:

"پاکستان کشور پیچیده ای است. پر ابلم زمانی برجسته میشود که پای معامله با تروریسم در میان می آید." منظور این نیست که انتقاد را متوجه آقای "وود" ساخته باشیم، زیرا مطمئنم که وی بهتر میدانند. اما، نکته مهم اینست که "پروبلم عمده" در آن کشور، "تروریسم" نیست، بلکه پروبلم اساسی عبارت از کلیت سیستم ناباب سیاسی آن کشور میباشد. از بیشتر از نیم قرن است که کشور را نظامیان اداره میکنند. احزاب سیاسی مطلقاً بی اثر بوده و از دهه ها به اینسو نقش حزبی عمدتاً به تیول دو خانواده بوتو و شریف مبدل شده است. مردم پاکستان فقرو محرومیت را تحمل نموده به سوی نومییدی رانده میشوند. این طاعون، با جنبش تروریستی نیز مرتبط بوده است. اما تهدید طالبان پاکستان و متحد آنها (القاعده) در هیچ جا نمیتواند به هستیش ادامه دهد. معنای این نکته اینست که تند روان اسلامی در حد آن نیستند که قدرت را در اسلام آباد به دست گیرند. اینکه "پروبلم عمده" در پاکستان "تروریسم" است، آیدیا و پالیسی ایالات متحده از یکدهه بدینسو در مورد پاکستان است. ایالات متحده به پاکستان بمثابه جایگاه تروریسم نگاه میکند، ولی تعداد کمی از پاکستانی ها، تروریسم را پروبلم عمده و اساسی خویش به حساب می آورند و از امریکا انتقاد میکنند وقتی می بینند که ایالات متحده از پاکستان میخواهد تا به جنگ علیه تروریسم ارجحیت قابل شود. آنچه برای پاکستانی ها اهمیت دارد انکشاف اقتصادی و ثبات سیاسی در کشور شان است. مسابقات سیاسی میان زرداری و برادران شریف چیز جدیدی نیست. آنها برای ده ها سال رقیب جدی یکدیگر بوده دو رخ یک فساد را نمایندگی میکنند. چنانکه طارق علی در کتاب خویش به نام "جنگ تن به تن" مینگارد:

"پاکستان با استفاده از قدرت امریکا پرواز میکند. سیاست در پاکستان حیثیت صحرائی را دارد که حتا هیچ منظره ای از یک مرغزار در آن به چشم نه می خورد. این، یک نسل را دربر خواهد گرفت تا مقدمات حصول یک انستیتوت

دموکراتیک فراهم آید. اخیراً، حزب مردم، حزب زرداری و بوتو که زمانی توان آنرا داشت تا به یک حزب واقعاً دموکراتیک مبدل شده و از کارگران و محصلان وطنپرست نمایندگی نماید، ولی امروز مهد فساد میباشد. و حزب مسلم لیگ، حزب نشنلیست مسلمان که در ایجاد پاکستان در سال ۱۹۴۷ نقش داشت، اکنون به پارچه‌های منقسم شده و به یک وسیله فساد به دست نواز شریف و برادران وی مبدل شده است. یکی از بخشهای سیاسی، جنبشی است که به خصوص میان اهل حرفه و بالا تر از همه قانون دانان، ایجاد شده که میتواند دموکراسی را در پاکستان ریشه دار سازد، جنبشی که افتخار محمد چوهدری رئیس محکمه عالی را مجدداً به کرسیش نشاند. این اقدام، یکی از نشانه‌های قدرت این جنبش میباشد. اما برای جنبش دموکراتیک که هرگاه قرار باشد در پاکستان رشد نماید، ایجاب میکند تا یکی یا هر دو حزب سیاسی حاکم از میان بروند یا به جای آنها یک حزب جدید تأسیس گردد که آنهم زمان درازی را در بر خواهد گرفت و یا، دو حالت دیگر به وجود آید: نخست باید اردوی پاکستان از سیاست دور ساخته شده به صنوف سیاسی اجازه داده شود تا خودشان را بسازند و دوم، بحران اقتصادی پاکستان رفع شود. اوضاع پاکستان که قبل از تحمل زیان ناشی از بلند رفتن قیمت نفت در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ متزلزل شده بود، بحران مالی جهانی که در تابستان گذشته رخ داد، این کشور را کاملاً لزران ساخت. پاکستان همین اکنون سبیدی را ماند که به یک مارشال پلان نیاز دارد. در این زمینه نه تنها ایالات متحده، بلکه چین، عربستان سعودی، امارات متحده و سایرین باید آنرا کمک کنند. یکسال پیش زرداری شوهر بی نظیر بوتو و نواز شریف موافقه کردند تا کشور را متحدانه اداره نمایند، ولی عمر این توافق کوتاه بود. از آن تاریخ به بعد، زرداری میخواهد به صورت مطلقه حکومت نماید که مدت آن کوتاه خواهد بود. حزب مردم پاکستان در سال ۱۹۶۰م توسط ذوالفقار علی بوتو تأسیس شد که در آن وقت یک تشکیل سیاسی امید بخش به حساب میرفت. طارق علی که در سال ۱۹۹۶م با بی نظیر بوتو دختر ذوالفقار علی بوتو ملاقات به عمل آورده بود، سخنان موصوف را چنین بیان میدارد: "بی نظیر بوتو با اصلاحات ارضی، تحصیلات همگانی، خدمات صحت عامه و سیاست خارجی مستقل موافق بود، مشروط بر آنکه مملکت از چنگال لاشخوران و تجزیه نجات یابد. موصوفه طرفدار غربا بود و بدان می نازید."

پس از گذشت چند سال، همه وعده‌های حزب مردم پاکستان از میان رفت، ذوالفقار علی بوتو که در دهه هفتاد بر سر قدرت بود، به وسیله یک کودتای نظامی از قدرت رانده شده و در سال ۱۹۷۹م توسط جنرال ضیاء الحق اعدام گردید، دیکتاتوری که از مساعده‌های مالی امریکا در سالهای ۸۰م علیه شوروی در افغانستان تغذیه کرد. بی نظیر با برادران خود، مبارزه برضد جنرال ضیاء را به راه انداخت و حرکتی مسلحانه به نام الذالفقار را بنا نهادند. بزرگترین اشتباه بی نظیر بوتو، ازدواجش با زرداری بود. با کسی که ثروتمند، فاسد و زن باره میباشد. آنگاه که جنرال ضیاء در اثر سانحه هوایی در سال ۱۹۸۸م جان داد، نوبت صدارت برای بوتو و شریف رسید که سابقه کشمکش با اردوی پاکستان داشتند. هردوی آنها (شریف و بوتو) از موقف رسمی شان در جهت ثروت اندوزی سوء استفاده نمودند. (به اساس برآوردی که طارق علی انجام داده است، بی نظیر بوتو یکنیم میلیارد و شریف سه میلیارد دالر ثروت اندوختند) و تیم (بوتو و شریف) در سالهای ۱۹۹۰م پاکستان را تهی کردند. به همین دلیل بود که بسیاری از لیبرالهای پاکستان از کودتای نظامی سال ۱۹۹۹م جنرال پرویز مشرف استقبال کرده انتظار داشتند که جنرالان لاقابل بتوانند ثبات در کشور را اعاده نمایند.

طارق علی مینویسد: "حزب مردم بایستی به عنوان یک سازمان مدرن و دموکراتیک دوباره سازی شود، درب جر و بحث گشوده گردد، از حقوق بشر دفاع صورت بگیرد، در جلب و جذب مجدد افراد و گروه‌های متفرق شده کوشش شود و آراستگی را به نمایش بگذارد. اما حزب مردم پاکستان همین اکنون به میراث منقول خانوادگی مبدل شده است. . . چنانکه این میراث منقول پس از ترور بی نظیر بوتو به شوهرش منتقل گردید ..."

امروز در نتیجه رهبری نا درست زرداری و برگشت چوهدری رئیس محکمه عالی ، چنان معلوم میشود که نواز شریف مجدداً به قدرت برسد و این ، تعجبی هم نخواهد داشت . ناظران سیاسی میدانند که نواز شریف در قبال کشاکش یکساله با زرداری ، دست بلند یافته است . وی خودش را به صورت ماهرانه ای با جبهه حمایت از چوهدری نزدیک کرده است . در واشنگتن نیز اعتقاد چنین است که نواز شریف نهایتاً پیروز خواهد شد . جنرال ضیاء در سالهای ۱۹۸۰م به نواز شریف عنایت کرد و آنها (ضیا و نواز) دشمن مشترک خانواده بوتو بودند . روزی که جنرال ضیاء حکم اعدام بوتو را صادر کرد ، محمد شریف (پدرو نواز شریف) و پسرش شکر خدا را به جا آوردند که دعای شان مستجاب شده بود . بزرگترین پسرش (نواز) مورد حمایت جنرال ضیاء قرار گرفت و به رهبری یک بخش از حزب مسلم لیگ رسید . هنگامی که مشرف در سال ۱۹۹۹م به قدرت رسید ، نواز شریف را به اتهام خیانت دستگیر نمود . وی احتمالاً اعدام میشد ، اما رئیس جمهور کلنتون زمینه نجاتش را فراهم آورد و بنابراین ، به کشور عربستان سعودی تبعید گردید . محور (بوتو - زرداری) که دچار فساد بودند ، گرایش به چپ نشان میدادند ، برادران شریف به راست تمایل داشتند . برادران شریف با بنیاد گرائی مؤسسين مسلم لیگ پاکستان و نیز با حزب جماعت اسلامی به شمول نظامیان قرین هستند . (این ، مسلماً میرساند که نظامیان پاکستان و شبکه استخباراتی آن (آی . اس . آی) از شریف در برابر زرداری به گونه پنهانی حمایت میکنند .) شریف به مثابه یک پنجابی ، از بخش اکثریت نژادی در پاکستان نمایندگی میکند و به عنوان یک سنی دیندار ، آهسته آهسته بر خانواده بوتو که مقید به تشیع میباشد ، فایق می آید . علاوه ، نواز شریف اخیراً در مذاکرات پنهانی با طالبان که از سوی عربستان سعودی راه اندازی شده است ، نقش دارد . کشور سعودی که وصل کننده کهنه کاری در پاکستان است ، غالباً نواز شریف را در برابر زرداری حمایت خواهد کرد . نواز شریف در دوران حاکمیتش طی سالهای (۱۹۹۷-۱۹۹۹م) تلاش کرد خودش را حامی قانون شریعت در پاکستان معرفی نماید . **جنگ میان نواز شریف و زرداری ، جنگیست میان سیاسیون مفسد با تاریخ نفرت انگیز .** متأسفانه اینها سیاسیونی هستند که پاکستان داشته است ، مگر که نظامیان مجدداً قدرت را به دست گیرند و این ، نا ممکن هم نیست ، هر چند تیم رئیس جمهور اوباما به آنان خواهند گفت تا در بارکهای نظامی شان باشند . آنها (نظامیان) در واقع ، سیاسیونی اند که در آینده قابل پیشبینی ، پاکستان را اداره خواهند کرد . این ، تأثر آواراست ، ولی حقیقت دارد .

(پایان)